

Etude de la Révolte et du Mouvement dans les Poèmes de Şamlu et ceux de Prévert à la Lumière du discours Social de Marc Angenot

Farzaneh Karimian (Auteur correspondant)¹ 

Maître de conférences, Département de langue française, Université Shahid Beheshti, Téhéran, Iran

Raha Seyed Ekhtiary

Doctorante de langue et littérature françaises, Université Shadid Beheshti, Téhéran, Iran

Résumé

A l'appui de la presse et de la situation de l'époque, avant la Révolution islamique en Iran et après la seconde guerre mondiale en France, la lecture des poèmes de Şamlu et de Prévert expose la récurrence des concepts hégémoniques et les émotions que ceux-ci déclenchent dans la société de leur temps. À chaque époque, en effet, il existe un discours social dominant sous l'influence duquel l'on écrit une œuvre. En s'appuyant sur cette notion, une œuvre pourrait connaître une bonne ou mauvaise réception par les lecteurs. En outre, la société réagit devant l'hégémonie ; cette réaction provoque des sentiments appelés le pathos, selon l'expression aristotélicienne, face à tout ce qui se dit et s'écrit. Une œuvre se lit alors en comparant avec les autres textes contemporains, notamment les articles des journaux, voire les publicités, parce qu'ils témoignent des préoccupations et de la ligne de pensées politique et sociale de leur société. Autrement dit, les publications se lient à l'hégémonie : voici ce qui constitue aussi l'essentiel des idées de Marc Angenot particulièrement sur le discours social dont on mettra à l'œuvre. L'étude contrastive des publications ainsi que les publicités d'un temps précisent mieux le monde poétique des deux poètes iranien et français, leurs concepts communs, fondamentaux et dominants sur la guerre, le progrès et la liberté.

Mots-clés: Şamlu, Prévert, Hégémonie, pathos, discours social, Marc Angenot, Presse.

¹. E-mail: f_karimian@sbu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-1201-9687>

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2022.78128.1058>

Study of Revolt and Movement in the Poems of Shamlou and Prévert According to the Social Discourse of Marc Angenot

Farzaneh Karimian (Correspondant author)¹ 

Associate Professor of French Language and Literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Raha Seyed Ekhtiary

PhD Candidate of French Language and Literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

Reading the written poems of Shamlou and Jacques Prévert, referring to the published press and the period of creation of these poets' works before the Islamic Revolution of Iran and after the Second World War, shows the importance of some recurring concepts often used beyond their beliefs and emotions. In other words, in each era, there is a dominant discourse that all the written texts are under its influence; In fact, hegemony or superiority in each society decides and defines, what can be written or said. By relying on this fact, a work could be accepted or ignored. Moreover, according to Aristotle's logic in hegemony concentrating on the sentiments, the majority of the society show sentimental reactions, called pathos. Both of these concepts are not only seen in conversations but also in the published books. So one work will be understandable if it is compared with the other published works, in this research, we are only dedicated to study newspapers and published advertisements reflecting anxieties, concerns, social and political thoughts of the society, which can give us considerable information about hegemony in the society of each era. Knowing this fact Marc Angenot has worked on social discourses that we'll use. The comparative study of the publication of a period and its advertisements, reveals the basic, common and dominant concepts of war, progress and freedom in these poems.

Keywords: Shamlou, Prévert, hegemony, pathos, social discourse, Marc Angenot, newspapers.

¹. E-mail: f_karimian@sbu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-1201-9687>

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2022.78128.1058>

بررسی عصیان و جنبش در اشعار احمد شاملو و ژاک پره‌ور بر مبنای گفتمان اجتماعی مارک آنژنو

مقاله پژوهشی

فرزانه کریمیان (نویسنده مسئول) ¹ ID

دانشیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

رها سیداختیاری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

خوانش اشعار مکتوب احمد شاملو و ژاک پره‌ور، با نگاهی به مطبوعات و دوران خلق آثار این شاعران قبل از انقلاب اسلامی ایران و پس از جنگ جهانی دوم، از اهمیت برخی مفاهیم پُربسامد به باورفرداست و احساسات ناشی از آن‌ها حکایت می‌کند. به عبارتی، در هر زمان یک گفتمان قالب وجود دارد. در واقع، هژمونی یا همان سلطه‌گری و فرادستی موجود در هر جامعه تعیین می‌کند چه چیزی گفته و نوشته شود. در این راستا، مقبولیت یا رد هر اثر نیز بر همین اساس صورت می‌گیرد. از سویی دیگر، براساس منطق ارسطویی، جامعه در برابر هژمونی اغلب عکس‌العملی متمرکز بر احساس نشان می‌دهد که آن را پاتوس گویند و هر دو مفهوم نه تنها در گفتمان که به‌ویژه در آثار چاپ‌شده به چشم می‌خورند. پس هر اثر وقتی قابل فهم است که در قیاس با تمامی گفتمان‌ها و تألیفات عصر خود خوانده شود. اما در این جستار ما تنها به بررسی روزنامه‌ها و تبلیغات مدون و دیگر آثار چاپ‌شده می‌پردازیم، چون نشانگر اضطراب‌ها، دل‌مشغولی‌ها و خط‌فکر سیاسی و اجتماعی جامعه خود هستند، تا به این ترتیب به درک و دست‌یابی ضمنی از هژمونی موجود در جامعه آن دوران برسیم. در این مسیر از مفاهیم مارک آنژنو نیز بهره می‌جویم که بحث گفتمان اجتماعی خود را بر همین اساس بنا می‌گذارد. مطالعه تطبیقی این تألیفات با این دیدگاه حاکی از مفاهیم اساسی، مشترک و غالب درباره جنگ، پیشرفت و آزادی است.

کلیدواژه‌ها: شاملو، پره‌ور، هژمونی، پاتوس، گفتمان اجتماعی، مارک آنژنو، مطبوعات.

¹. E-mail: f_karimian@sbu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2022.78128.1058>

<https://orcid.org/0000-0002-1201-9687>

۱. مقدمه

تعهد ادبی به معنای مشارکت فعال در دفاع از یک هدف و خدمت به دیگران و جامعه علی‌رغم خطرات احتمالی است. وقتی نویسنده یا شاعری رسالت خود را در تعهد می‌یابد، اغلب افکار و باورهای خود را از طریق آثارش بیان می‌کند تا دیگران را آگاه کند. در این راستا، جستار حاضر به بررسی ابیات احمد شاملو و ژاک پروه‌ور با دوزبان مختلف، دو موقعیت گوناگون و بحران‌های متفاوتی می‌پردازد که با خلق دنیایی شاعرانه، بر پایه درون‌مایه‌ها و با تکرار عبارات و ساختارهای نحوی خاص و گفتمان اجتماعی^۱ خود، به خلق آثاری همت گماشتند تا قادر به برانگیختن خوانندگان، متقاعد کردن، بیداری و حرکت آنان باشند.

از سوی دیگر، گفتمان اجتماعی و تحلیل گفتمان^۲ زیرشاخه‌ای است از نقد جامعه‌شناختی ادبیات^۳. درحقیقت شکل تحلیلی گفتمان شباهت بسیاری به جامعه‌نگار^۴ کلود دوشه دارد: «مجموعه‌ای مبهم، نامنسجم، ناسازگار و اتفاقی از نمایش بخش‌ها، که همه آن‌ها تعامل متقابل با هم دارند، ... و به دور یک هسته مرکزی می‌چرخند که خود ناسازگار است» (Duchet & Tournier, 1998, pp.172-153). توضیحی که مارک آنژنو^۵ نیز برای مفهوم کلیدی عقایدش، یعنی مفهوم غالب و فرادستی یعنی هژمونی ارائه می‌دهد این است که در یک زمان مشخص، تمام آثار شفاهی و کتبی، علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری و بی‌نظمی‌ها، حول محوری به همین نام می‌گردند و به هم متصل می‌شوند (Angenot, 1989, p. 61). بر مبنای همین اصل می‌توان گفت که هر اثری در قیاس با دیگر آثار مکتوب یا حتی شفاهی معاصر خود دریافت می‌شود. با تکیه بر نظریات مربوط به ناهمگنی باختین^۶، آنژنو نیز با تأکید بر مفاهیم بیناگفتمانی^۷ و تعامل متقابل^۸، برای تمام آثار شفاهی (از لطفیه‌ها تا ترانه‌ها) و کتبی (از شعارهای تبلیغاتی تا مقالات علمی) ارزش مشابهی را مطرح می‌کند و همه آن‌ها را یکسان می‌سجد؛ یعنی او هر نوع گفته‌پردازی را به مثابه حلقه‌ای از زنجیره گفتمانی می‌انگارد و تا مرحله بینامتنیت^۹ پیش می‌رود. به عبارتی دیگر، برای بررسی گفتمان هژمونیک در آثار ادبی و تمرکز بر احساسات ناشی از آن (پائوس)، باید تمامی گفته‌ها و نوشته‌ها را در نظر گرفت. به‌ویژه مراجع تاریخی، از جمله روزنامه‌ها و مجلات، از جایگاه مهمی برخوردارند و حتی تبلیغات هم نشانگر مفاهیم کلیدی عصر خود هستند. پس با توجه به عقاید آنژنو، به نظر می‌رسد که در این راستا، فقط مطالعه ادبیات فاخر کفایت نمی‌کند، زیرا جهت انتقال افکار افراد و نسل‌ها، هیچ

^۱ .Le discours social

^۲ .L'analyse du discours

^۳ .La sociocritique

^۴ .Le sociogramme

^۵ .Marc Angenot

^۶ .Mikhail Bakhtine (hétérologie & hétéroglossie)

^۷ . L'intertextualité

^۸ . L'interactivité

^۹ . L'intertextualité

گفتار و نوشتاری بر دیگری برتری ندارد و همگی را باید در کنار هم مطالعه کرد تا حلقه اتصال و مفاهیم کلیدی فرادست و احساسات ناشی از آن‌ها را بهتر در آثار بیابیم.

با این شکل از بررسی جامع، آنژنو می‌کوشد تا به روح زمان (زایت گاست)^۱ هگیلی یعنی به روش و نوع تفکر و احساسات افراد در یک دوران خاص و در یک مقطع زمانی مشخص دست یابد. درحقیقت، آنژنو در پس بی‌نظمی‌های ظاهری درپی نظم‌ی نهانی است. گاهی این بی‌نظمی ظاهری از تفاوت آراء و سبک بیان نشئت می‌گیرد. به عبارتی، طرح یک موضوع با ایجاد موافق و مخالف نزد مخاطبان، گواهی بر ارزش آن است، زیرا برای مطرح شدن باید از صافی هژمونی بگذرد تا برای جامعه نیز قابل فهم باشد و بر افراد نیز تأثیرگذار باشد و آنان را بیدار کند. لذا در این جستار برآنیم تا جهت بحث از موارد یادشده، پس از ذکر پیشینه پژوهش، از سویی، به شرح اجمالی اوضاع ایران و فرانسه پردازیم، سپس با مطالعه روزنامه‌های کثیرالانتشار آن زمان، هژمونی گفتمان اجتماعی حاکم را دریابیم. از سویی دیگر، می‌کوشیم اشعار هر دو شاعر را با تکیه بر نظریات آنژنو بازخوانی کنیم. اگر هر نویسنده یا شاعری با بهره‌گیری از تجربه فردی و زیسته خود از سویی، و پیوند آن با هنر و تخیلاتش، از سوی دیگر، به خلق اثری نائل آید، پرسش اصلی اینجاست که نظر به تأکید منتقدان معاصر شاملو و پره‌ور بر عصیانگری آنان و با توجه به شرایط اجتماعی مختلف و تفاوت چشمگیر فرادستی‌های حاکم در ایران و فرانسه، این عصیان در اشعار این دو شاعر چگونه و از کجا نشئت می‌گیرد و در چه قالبی سروده می‌شود؟ البته پرسش دیگری نیز به ذهن متبادر می‌شود مبنی بر این‌که علاوه بر آثار ادبی آنان، چگونه بررسی جراید و تبلیغات به موازات آثار، به درک بهتر گفتمان اجتماعی غالب آن دوران کمک می‌کند، یا به عبارتی تا چه اندازه بازخوانی رویکرد آنژنو می‌تواند مفید باشد. با توجه به اتفاقات دوران هر دو هنرمند، طبق فرضیه ما این سرکشی می‌تواند حاصل نوعی از جنبش و حرکت جهت نیل به آزادی، چه از دیدگاه شعری و چه زیستی، در اشعار هر دو باشد و در این میان عقاید آنژنو احتمالاً دیدگاه واقعی‌تر، بسیط‌تر و جامع‌تری را برای دستیابی به گفتمان اجتماعی آن دوران به موازات آثار مطرح می‌سازد.

۲. پیشینه تحقیق و معرفی رسالت هنری شاعران

سخن را با معرفی اجمالی دو شاعر مورد مطالعه این جستار آغاز می‌کنیم. در ایران احمد شاملو که به چپ‌گرایان و مردم تعلق خاطر داشت، حتی در عاشقانه‌ترین ابیاتش، سرشار از روحیه مقاومت به نظر می‌رسد و شاید به همین دلیل نیز کار شاعرانه خود را با انتخاب شعر نو برای نافرمانی و تغییر برگزید. شاملو از شاعرانی است که اهمیت آثارش بارها از دیدگاه جامعه‌شناختی و یا اجتماعی در پژوهش‌ها ذکر شده است، برای مثال در «کارکرد مراقبتی - تنبیهی فضای زندان در زندان سروده‌های احمد شاملو: خوانشی گفتمانی و جامعه‌شناختی» سید احمد پارسا و

^۱ Le Zeitgeist de Hegel : « l'esprit du temps ». « les grandes lignes de pensées d'une époque ».

منصور رحیمی به بررسی زندان سروده‌های شاعر با دیدگاه فوکو^۱، توماس هابز^۲ و ماکس وبر^۳ می‌پردازد. این مقاله از عدم پذیرش جرم شاملو سخن می‌گوید و این‌که شاعر به دلیل عصیان به زندان افتاده است و با تکیه بر همین سرکشی در خیال خود از چارچوب محبس می‌گریزد. نویسندگان مقاله در نتیجه‌گیری «تحمل رنج زندان را امری خودخواسته» برای شاعر و «مبتنی بر گفتمانی انقلابی» می‌دانند (پارسا و رحیمی، ۱۴۰۰، صص. ۵۳-۵۴). در مقاله دیگری با عنوان «کیفیت انسجام متن در اشعار روایی کودکان احمد شاملو با تکیه بر شعر "پریا" و "دخترای ننه دریا"»، از رویکرد هلیدی^۴ استفاده شده است. نویسندگان با تحلیل صورت‌های زبانی، نقبی به نگاه جامعه‌مند شاملو زده‌اند، چراکه «آفریننده ادبیات کودک بیشتر بزرگسالان هستند، نه خود کودکان» (قاسم‌زاده و باباحسین‌پور، ۱۳۹۶). آن‌ها بر این باورند که تمایل شاملو به اشعار کودکانه برای رهایی از سانسور بوده است. همچنین، ناهید اکبری، علی شربتی و حسین منصوریان در مقاله «نقد اجتماعی اشعار شاملو با تأکید بر مقوله طنز»، شاملو را شاعری عصیانگر می‌نامند که اولین عصیانش «اعتراض به کهنگی و تقلید است» (اکبری و همکاران، ۱۴۰۰). به‌علاوه، با دیدگاه مقایسه‌ای هم به اشعار شاعر ایرانی پرداخته شده است: سارا بیاتی و مجید یوسفی بهزادی (۱۴۰۰) کار مقایسه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مضامین "آگاهی" و "عصیان" در اشعار رمانتیک اجتماعی - انقلابی آندره شنیه و احمد شاملو» دارند که از تفکر و مضامین اجتماعی اشعار آنان و درک مفهوم انقلابی بودن این شاعران به روش رمانتیک‌ها سخن می‌رانند. در همه این مقالات اگرچه پژوهشگران به اتفاق در مورد عصیانگری شاعر و وجهه اجتماعی اشعار او سخن گفته‌اند، اما اغلب فاقد وجه نظری در زمینه نقد جامعه‌شناختی هستند.

به همین ترتیب، ژاک پره‌ور، عضو گروه اکتبر از سال ۱۹۳۲ بود که به کمک نمایش تئاتر و بازی در مقابل کارگران سعی در حساس کردن آنان به تبعیض و بی‌عدالتی داشت. شاعر فرانسوی و مخالف سرسخت کاپیتالیسم، بنابر اصول مارکسیستی مدافع حقوق افراد، به‌ویژه، قشر زحمت‌کشان، در برابر حوادث سیاسی و اجتماعی اغلب عکس‌العملی افشاگرانه و صادقانه اتخاذ می‌کرد. در مورد او نیز مقاله‌ها بیشتر به بررسی سبک شاعرانه‌اش پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به تعهدش نسبت به مردم در دیوان سخن‌ها^۵ و در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد ژروم ژوآیه^۶ در گرایش هنری اشاره کرد. در همین راستا، سارا گرن نیز در بخشی از پایان‌نامه ارشد خود به دعوت خوانندگان «به شورش مردمی» از سوی شاعر اشاره دارد (Guérin, 2014)^۷. به‌علاوه، ژاک لاردو نیز،

^۱ Michel Foucault

^۲ Thomas Hobbes

^۳ Max Weber

^۴ Michael Halliday

^۵ *Les Paroles* (1946)

^۶ Jérôme Royer, *L'Engagement d'un poète populaire* (2014)

^۷ Sarah Guérin, « L'appel à la rébellion populaire »

در بخشی از کتاب چشم‌انداز سیاسی. نگاه هنرمند (۲۰۱۱) با عنوان «چشم‌انداز در حال تغییر» شعر پره‌ور را به‌طور عمده حاصل انقلاب صنعتی، توسعه شهرها و جنگ‌ها در زمینه ادبی می‌انگارد. در ایران نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد فاطمه نامجویان شیرازی از دانشگاه علامه طباطبایی با عنوان تأثیر ترجمه آثار سورنالیستی برخی شاعران فرانسه (پل الوار، ژاک پره‌ور) بر شعر سپید شاملو (۱۳۹۱)، بیشتر به سبک شعری این شاعر پرداخته است. همان‌طور که گفته شد، در هیچ یک از جستارهای فوق‌الذکر به نظریه پرداز مشخصی در زمینه رویکرد اجتماعی اشاره نشده است و تاکنون نه در مورد هژمونی حاکم در جامعه و نه درباره پاتوس، دو مفهوم کلیدی از عقاید آژنون (و حتی از خود وی) سخن چندانی به میان نیامده است. البته گفتنی است که در مورد کاربرد نقد جامعه‌شناختی تحقیقاتی صورت گرفته است، از جمله فرزانه کریمیان و شکبیا ذاکر حسینی در مقاله «چشم‌انداز نقد جامعه‌شناختی فرانسه و کاربرد آن بر رمان چشم‌هایش» (۱۴۰۰) تأملی بر اهمیت کارکرد این رویکرد در گفتمان زنان و مردان با تکیه بر نظریات یکی از نظریه‌پردازان این حیطه یعنی ادْموندکرو داشتند. همچنین باید یاد کنیم از مقاله فرزانه کریمیان و رهاسیداختیاری با عنوان «مطالعه گفتمان اجتماعی در اشعار سیاوش کسرائی با بهره‌گیری از مفاهیم آژنون» که اخیراً به چاپ رسیده است (۱۴۰۰). در همین راستا، تحقیق پیش‌رو نیز نگاهی مقابله‌ای بر پایه نظریات این نظریه‌پرداز و رویکرد گفتمان اجتماعی از دیدگاه او بر یک پیکره تطبیقی است. در این جستار، و براساس نظرات آژنون، ما روزنامه‌های کثیرالانتشار را نیز (بنابر دلایل فوق‌الذکر) به موازات اشعار این دو شاعر به‌طور هم‌سنگ بررسی و مطالعه می‌کنیم. علاوه بر ارزش مطالعات مسائل و پیامدهای تاریخی-اجتماعی این دوران از منظر این رویکرد، نام منتقد نیز شاید راه‌های جدیدی برای بررسی‌های آتی در نقد جامعه‌شناختی بگشاید.

۳. اوضاع جهان و چینش سیاسی فرانسه و ایران

در اینجا لازم است متذکر شویم که در روش تحقیق آژنون، دیدگاه تاریخی و سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد. دلیل او برای این ارزش‌گذاری، این اصل ساده اما کلی است: «آنچه که در حیات جامعه‌ای گفته می‌شود، به هیچ وجه اتفاقی و ساده نیست» (Angenot, 1989, p.9) و چه بسا اوضاع سیاسی جامعه و یا حتی «سخنرانی یک نماینده مجلس» (همان) بتواند راه‌گشایی برای درک بهتر هژمونی باشد. بدین سان مطالعه تاریخ و حتی جامعه‌شناسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه «شیوه‌ای است که جوامع هم‌دیگر را می‌شناسند، با هم به گفت‌وگو می‌پردازند و در مورد آن می‌نویسند، شیوه‌ای که انسان در جامعه استدلال می‌کند و از خود سخن می‌گوید» (ibid). از آن جهت که «استدلال^۲ و نقل^۳ کردن، دو مضمون اصلی گفتمان اجتماعی» (ibid, p.9) به حساب می‌آیند، باید در جست‌وجوی دلیل استدلال‌ها و گفتمان احزاب مختلف در هر دو کشور باشیم. این‌که

1. Edmond Cros

2. Argumenter

3. Narrer

در جامعه‌ای از چه سخن می‌گویند و اصولاً به چه دلیل از آن سخن می‌گویند، می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با چینش سیاسی کشورها داشته باشد. بنابراین تلاش می‌کنیم تا شرح مختصری از احزاب هر دو کشور و نگرش آن‌ها ارائه دهیم.

پس از جنگ جهانی، نظام پولی در دنیا تحت سلطه اقتصاد بین‌المللی با مدیریت آمریکا قرار گرفت، سیستمی که کاپیتالیسم لیبرال نامیده می‌شود. از سوی دیگر، شوروی در زمان استالین هم، علی‌رغم نیاز شدید و خسارت‌های جانی و مالی ناشی از جنگ، بیش‌ازپیش به‌عنوان قطبی قدرتمند پا به عرصه جهانی گذاشت. حضور دو قطب با دو جبهه‌گیری سیاسی مخالف، کاپیتالیسم لیبرال و سوسیالیسم استبدادی، تأثیر به‌سزایی در چینش سیاسی کشورهای جهان گذاشتند (Berstein & Milza, 1996, p. 30). در فرانسه نیز که متأثر از اتفاقات جهانی بود، حزب کمونیست پا به عرصه وجود نهاد و در کنار و یا مخالفت با دیگر احزاب، وزنه سنگین سیاسی آن دوران به حساب آمد. به‌طور کلی، حزب کمونیست و ملی‌گرایان در آن زمان مخالف امپریالیسم آمریکایی بودند؛ درحالی که در برابر آن‌ها لیبرال‌ها موافق این نفوذ فراگیر به‌شمار می‌آمدند.

در همین هنگام در ایران نیز همانند فرانسه، احزاب تحت تأثیر تحولات جهانی صف‌آرایی کردند. می‌توان احزاب آن دوره را به سه گروه چپ‌گرا، ملی‌گرا و اسلام‌گرا در کنار نظام پهلوی تقسیم کرد. البته اگر بخواهیم در مورد تأثیر آشکار تقسیم‌بندی جهانی و جنگ سرد در ایران آن زمان صحبت کنیم، به‌طور کلی می‌توانیم بگوییم که حکومت مرکزی بیشتر به‌سمت آمریکا (و غرب) و چپ‌گرایان (و توده) به‌ویژه به‌سمت کمونیست‌ها (و شرق) گرایش داشتند. جالب است که در هر دو کشور ایران و فرانسه، روشنفکران و نویسندگان از جمله پره‌ور و شاملو به چپ‌گرایی داشتند، چندان که فهرست اعضای حزب توده در ایران و کمونیست در فرانسه بیشتر شبیه «نام‌نامه مشاهیر» (آبراهامیان، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۴) بود که در گفتمان اجتماعی جراید در هر دو کشور نیز به چشم می‌خورد.

۴. بررسی روزنامه‌های فرانسوی و ایرانی و بازتاب این گفتمان اجتماعی در اشعار پره‌ور و شاملو

همانطور که قبلاً ذکر شد، مطالعه روزنامه‌ها جایگاه بسیار مهمی در رویکرد آنژنو دارد. به‌ویژه آنژنو بر این باور است که «ابتدا تیراژ روزنامه‌ها و تعداد عناوین مطبوعات افزایش یافت و در گستره جغرافیایی بیشتری منتشر شدند. در واقع مطبوعات حاوی فرمول‌هایی بی‌حد و حصر از رقابت‌های (فکری)، جزئیات عقاید و مخاطبینی با مقاصد مشخص هستند» (Angenot, 1989, p. 224). به همین منظور ما نیز در این بررسی، دوروزنامه لوموند^۱ و فیگارو^۲ را از فرانسه، و به موازات آن‌ها، روزنامه اطلاعات را از ایران به دو دلیل انتخاب کردیم: یکی در دسترس بودن آرشیو برخط این روزنامه‌ها و دیگری به دلیل اهمیت، رواج و مطرح بودن آن‌هاست. به‌طور قطع در ابتدای تحقیق با حجم عظیمی از داده‌ها روبه‌رو بودیم. اما به مرور تکرار معنادار برخی از مباحث، یا به عبارتی فهرستی

^۱. *Le Monde*

^۲. *Le Figaro*

از «مؤلفه‌های» جدایی‌ناپذیر از واقعیت هژمونیک (Angenot, 1988, p. 88)، ما را به نتایج جالب‌توجهی در ارتباط با مفاهیم پُربسامد فرادستی رساند. در اینجا به بررسی چند مورد از آن‌ها می‌پردازیم که در اشعار پره‌ور و شاملو به‌وفور انعکاس یافته‌اند.

۱-۴. هژمونی^۱، پاتوس^۲ و گفتمان اجتماعی^۳

همانطور که گفته شد، در زبان فارسی، برای عاریتِ واژگانی هژمونی معادل‌هایی از جمله «فرادستی» و «سلطه‌گری» وجود دارند. مارک آنژنو در رویکرد خود آن را «مجموعه‌ای هنجاری ولی تحمیلی می‌خواند، که دارای مضامین قابل قبول و تحمل‌پذیر است و سلسله‌مراتبی از مشروعیت‌ها را بر زمینه‌ای به نسبت همگن ایجاد می‌کند» (Angenot, 2014, p. 29).^۴ به عبارت دیگر، هژمونی، تمام قواعد، انواع و ژانرهای قابل قبول یا غیرقابل قبول، زبان‌های رایج یا ادبی، اشکال روایت یا استدلال، و به‌طور کلی فهرست گسترده‌ای از موضوعات قابل تشخیص همگان را در بر می‌گیرد و تبدیل به نوعی شناخت گفتمانی و حتی زمینه بحث عمومی می‌شود. به تعبیری دیگر، «هر آن‌چه در یک وضعیت جامعه گفته و نوشته می‌شود» مارک آنژنو گفتمان اجتماعی می‌نامد: «هر چیزی که چاپ می‌شود، هر آن‌چه که امروزه در رسانه‌های الکترونیکی به‌طور عمومی گفته یا ارائه می‌شود. هر چیزی که روایت و استدلال می‌کند، اگر بپنداریم که نقل و استدلال دو شیوهٔ بزرگ گفتمان سازی است» (Angenot, 1989, p. 16). از این رو، این نوع از شناخت گفتمانی نمونهٔ مطلوبی تلقی می‌شود که در آن، حتی تحمیل‌های خودسرانه نیز مشروع انگاشته می‌شوند که باید به آن‌ها احترام گذاشت.

از سوی دیگر، پاتوس از دیدگاه آنژنو برگرفته از معنای به‌کار رفته در ریتوریکا یا خطابهٔ ارسطوست. در واقع بحث از ریشهٔ «پاته»^۵ نزد ارسطو به معنای «فوبوس - ترس - حاصل از تأثیر گفت‌وگوست» (Angenot, 1988, P. 91). به نوعی، بنابر نظریهٔ ارسطویی، خطابه‌گر می‌تواند از طریق برانگیختن احساسات، بر مخاطب تأثیر گذارد. بسیاری از مورخان «پاتوس حاکم در گفتمان در یک زمان را "خُلُق و خو"^۶ و "حالت روحی"^۷ ای تعبیر

^۱ L'hégémonie

^۲ Le pathos

^۳ . Le discours social

^۴ . "L'ensemble complexe des normes et impositions diverses qui opèrent contre l'aléatoire, le centrifuge et le déviant, qui indiquent les thèmes acceptables et, indissociablement, les manières tolérables d'en traiter, et qui instituent la hiérarchie des légitimités (de valeur, de distinction, de prestige) sur un fond d'homogénéité relative ».

^۵ . « Le discours social : tout ce qui se dit et s'écrit dans un état de société ; tout ce qui s'imprime, tout ce qui se parle publiquement ou se représente aujourd'hui dans les médias électroniques. Tout ce qui narre et argumente, si l'on pose que narrer et argumenter sont les deux grands modes de mise en discours ».

^۶ . Le Pathé

^۷ . Le tempérament

^۸ . L'état d'âme

می‌کنند که به‌ناگاه به‌طور جمعی بر بزرگان و هنرمندان یک نسل مستولی می‌گردد» (ibid). به‌طور کلی، می‌توان گفت مفهوم پاتوس از نظر آژنو همان احساس حاصل در برابر هژمونی گفتمان اجتماعی است. لذا در این جستار تلاش می‌کنیم تا توضیح مختصری از این مفاهیم در هر دو جامعه فرانسوی و ایرانی ارائه دهیم.

از واژگان‌های پُرسامد در روزنامه‌های فرانسوی می‌توان از «آینده»^۱، «جدید»^۲، و همین‌طور تمام افعالی نام برد که مربوط به الزام می‌شوند و ضمن پرداختن به تعیین طریق و تکلیف افراد، به‌نوعی در مقابل آزادی قرار می‌گیرند، مثل «باید»، «بایستن»، «وظیفه‌داشتن»، «خواستن [یا نیازداشتن]»، «تحمیل [و ایجاب] کردن»^۳ که دلیل تکرار هر کدام از این واژه‌ها به راحتی قابل توجیه است. بی‌شک کشوری که از جنگ آسیب‌های بسیاری دیده است، پس از آن باید به فکر بازسازی و ساختن دنیایی نو برای آیندگان باشد. در اول ژانویه ۱۹۴۶، یک سال پس از پایان جنگ، پیغام رئیس‌جمهور وقت این‌گونه از سوی یکی از خبرنگاران در فیگارو به‌رشته تحریر در می‌آید: «مُردگان و زندگان مقاومت می‌خواستند که فرانسه آزاد باشد، که هست، می‌خواستند شکوفا و خوشبخت باشد، که خواهد بود»^۴ (Auriol, 1947, P. 1). در این میان و به‌عبارتی، دلیل تکرار الزام (به‌عنوان نقطه مقابل آزادی) قابل فهم است: ساخت دنیای جدید، باید و نبایدها و قوانین (اجباری) مربوط به خود را می‌طلبد.

درحقیقت، فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم، کشوری است در حال تغییر و پیشروی با بُن‌مایه اقتصادی. گفتمانی است که اقتصاد در تمامی تعاریف، به‌ویژه در دوران پساجنگ، ریشه دوانده است، حتی در معنای آزادی. پیشرفت کشور با این‌که حرکت را ایجاب می‌کند، اما در این میان به نظر می‌رسد که اصول اقتصادی، در واقع، اصول انسانی را به‌زنجیر کشیده است. بنابراین از سویی، می‌توان تشویق حکومت برای حرکت به سمت جلو و به‌منظور پیشرفت را شاهد بود، و از سویی دیگر، اعتراض روشنفکران در برابر تعیین مسیر اجباری و تحمیل کاپیتالیسم از سوی آمریکا قابل تشخیص است، که این‌همه گفتمان اجتماعی را در یک راستا به سمت عصیان و در نتیجه جنبش بیش‌ازپیش سوق می‌دهد.

اگرچه اصول حکومت پهلوی متفاوت از احزاب به‌نظر می‌رسید، یعنی «اقتدار» و «پیشرفت» شاکله تصمیم‌گیری‌ها و رفتار حکومت به‌شمار می‌آمد، اما کلمات «آزادی»، «استقلال»، «عدالت»، «دموکراسی» و حتی تغییر و «انقلاب» هم که از اصول بینادین احزاب مخالف بود، در روزنامه‌های طرفدار حکومت و گاهی نیز حتی در سخنرانی‌های شخص محمدرضا پهلوی دیده می‌شود. البته شایان توجه است تا بی‌درنگ بیفزاییم که

¹ L'avenir

² Nouveau, nouvelle, nouvel

³ « il faut », « devoir », « exiger », « imposer »

⁴ « Les vivants et les morts de la résistance ont voulu que la France fût libre et elle l'est, qu'elle fût prospère et heureuse et elle le sera » déclare Vincent Auriol

«انقلاب» از دیدگاه وی فقط همان «انقلاب سفید»^۱ بود. گفتنی است که به علت همین طرح و برنامه «اصلاح اراضی»، کلمه «انقلاب» در قالب‌های مختلف، به‌ویژه در چارچوب و زیر عنوان «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و ملت» و یا حتی قیام‌های سایر کشورها، بیش از دیگر کلمات به چشم می‌خورد.

در ایران اما اقتصاد نقش ثانوی دارد. اگرچه اقتصاد کشور به دلیل پول حاصل از فروش نفت، به‌طور بی‌سابقه‌ای رو به رشد است، اما پیشرفت بیشتر در معنای آزادی‌آرمانی و سیاسی انجام می‌شود. «انقلاب» بی‌شک هژمونی حاکم در جامعه است. کشور با شتابزدگی رو به جلو می‌رود و تغییرات اندک معنایی ندارد. در نتیجه مردم در تکاپو، جنبش و حرکت بسیار هستند و این در تمام نوشته‌ها نمود پیدا می‌کند. به‌طور خلاصه اگر بخواهیم هژمونی جامعه را عصیان بنامیم، پاتوس، احساس و عکس‌العمل حاصل از آن جنبش و حرکت است.

۲-۴. جنگ و اقتصاد

حدود پنج سال پس از پایان جنگ، یعنی تا ابتدای دهه ۱۹۵۰، اضطراب از آغاز جنگی دوباره و تلاش برای برقراری صلح در کنار عناوینی مربوط به مشکلات اقتصادی تقریباً در تمام شماره‌های روزنامه‌های فرانسوی به چشم می‌خورد. به تدریج ترس از جنگ کم‌تر می‌شود، اما سخن از اقتصاد و پیرامون مسائلی چون ناکافی بودن حقوق، بالا بودن هزینه پوشاک، مواد غذایی و کمبود آن و سایر مطالبی از این قبیل به‌قوة خود باقی می‌ماند. حتی روابط بین کشورها با اقتصاد معنا می‌یابد. همانطور که گفتیم چینش سیاسی جهان نیز با کاپیتالیسم تعریف می‌شود. در عنوان معناداری از صفحه اول روزنامه فیگارو، نزاع بین بلوک شرق و غرب این‌گونه به تصویر کشیده می‌شود: «گندم روس و گندم آمریکایی»^۲ (Le Figaro, 22 mars 1942, n°497). با این‌که این مطلب یک سال قبل از آغاز جنگ سرد نوشته شده است، اما به خوبی نمایانگر وضعیت حاکم در جامعه آن سال و سال‌های بعدی است. در نهایت، همه چیز با معیارهای مادی و ارزش اقتصادی معنا می‌یابد.

در همین راستا، در سال‌های ابتدایی پس از جنگ جهانی دوم، علی‌رغم این‌که ایرانیان نیز متحمل فشارهای بسیاری شده بودند، ولی اثر چندانی از فقر را در روزنامه‌های وابسته به حکومت نمی‌بینیم. البته این بدان معنا نیست که در جراید ایران به مشکلات مردم پرداخته نمی‌شود، اما نوع نگاه‌ها، بین روزنامه‌های طرفدار حکومت و مخالف آن به صورت آشکاری متفاوت است. البته در مورد بیگانگان خبرها به نسبت بی‌طرفانه هستند و به راحتی از مشکلات کشورهای خارجی سخن به میان می‌آید. برای مثال در هجدهم آبان ۱۳۲۵ و در شماره ۶۱۹۷ روزنامه اطلاعات در یکی از عناوین اصلی در اول صفحه می‌خوانیم: «خطر قحطی در آلمان زیاد می‌شود». به این ترتیب،

^۱. شماره ۱۴۹۶۴ از روزنامه اطلاعات، مورخ سوم فروردین ۱۳۵۵ (یا به عبارتی بنابر سال هخامنشی به سال

۲۵۳۵) به‌طور مبسوطی در مورد انقلاب سفید، آرمان‌ها و دلایل آن سخن به میان می‌آورد.

^۲. «Le blé russe et le blé américain»

ترس از قحطی و آشوب در چند سال نخست پس از بلوای دوم جهانی در ایران نیز به طور نسبی وجود دارد.^۱ بی تردید در تمام این سال‌ها خبر از اغتشاش، جنگ، جنبش و اعتراض به وفور یافت می‌شود، اما بهترین بازخورد در برابر این ترس‌ها، تنش‌ها و قیام‌ها تبدیل آن‌ها به پویایی و توسعه است.

آثرنو پیوسته از کلیت^۲ می‌گوید و از این‌که گفتمان همواره ایدئولوژی و نگرش به جهان خود را منتقل می‌کند. لذا به موازات مطالبی که در جراید ذکر شد، در بخش ادبی نیز ارجحیت اقتصادی به چشم می‌خورد. لذا در دنیایی که ارتباط با کشورهای دیگر بر پایه منافع اقتصادی بنا شده است، پره‌ور و شاملو در واقع هر دو شاعرانی دیگر دوست^۳ (و بشردوست) هستند که روابط بین‌الملل را نه از حیث مادی و سیاسی که از دیدگاه انسانی دنبال می‌کنند. به این ترتیب، هر دو، بدون تمایز میان مردمان کشورهای، دل‌واپس پاس‌داشت صلح در سراسر دنیا هستند. در این زمینه نمونه‌ها بسیارند، ولی تنها به یک مثال از هر یک بسنده می‌کنیم: از شاعر ایرانی در «سرود بزرگ» از قطعنامه می‌خوانیم: «شن-چو/ بخوان! بخوان! / آواز آن بزرگ دلیران را / آواز کارهای گران را / آواز کارهای مربوط با بشر / مخصوص با بشر / آواز صلح را / آواز دوستان فراوان گم‌شده / آوازه‌های فاجعه بلزن و داخاو / [...] نادیده دوستم / شن-چو / بخوان برادرک زرد پوستم!» (شاملو، ۱۳۹۶، صص. ۷۲-۷۳). مثال دیگر را از ادبیات فرانسه و از شعر «بیگانگان غریبه»^۴ از دیوان باران و هوای خوش^۵ پره‌ور برمی‌گزینیم، هنگامی که شاعر نگرانی‌اش را در مورد کودکان سینگال و هندوچین، مردم کشورهای استعمار شده، ایتالیایی‌ها و دیگر اقوام ابراز می‌دارد (Prévert, 1955, pp. 28-29).

پره‌ور بارها در شعرش جنگ را تقبیح می‌کند. اشعاری چون «باربار»^۶، «ترانه در خو»^۷ و «گفتمان در مورد صلح»^۸، در مجموعه شعری سخن‌ها^۹، نمونه بارزی از این دست هستند. بدون شک برای شاعر، صلح به عنوان واژه‌ای در برابر جنگ، از دغدغه‌های اصلی به حساب می‌آید. تکرار کلمه پرنده در بیشتر اشعار، به عنوان نمادی از صلح و آزادی گواهی بر این مدعاست. به همین ترتیب، در شعر «مرخصی سربازی»^{۱۰}، سرباز کلاهش را در قفس

^۱ برای مثال: «نظر آمریکایی طبقه متوسط بروز جنگ حتمی است»، روزنامه اطلاعات، ص ۴، شماره ۶۱۹۷، ۱۸ آبان ۱۳۲۵.

^۲ *La totalité*

^۳ *Altruiste*

^۴ «Étranges étrangers»

^۵ *La pluie et le beau temps*

^۶ Barbara: لازم به توضیح است که این شعر برمی‌گردد به واقعه بمباران ۱۶۵ باره‌ی شهر برست بین سال‌های ۱۹۴۰ و

۱۹۴۴.

^۷ «Chanson dans le sang»

^۸ «Le discours sur la paix»

^۹ *Paroles*

^{۱۰} «Quartier libre»

گذاشته و به جای آن پرنده را بر سر می‌گذارد^۱ (Prévert, 1949, p. 185)؛ یعنی در این شعر کوتاه، پرنده از قفسی که نمادی از سکون است خارج می‌شود و به آزادی و حرکت، یعنی همان پاتوس حاکم بر جامعه می‌رسد. از سوی دیگر، شعر زیر انتقاد گزنده‌ای است که جان انسان در آن هیچ انگاشته می‌شود و جسمش بهایی ناچیز می‌یابد به اندازه همان گوشت حیوانی که خورده می‌شود. کلماتی که زیر آن خط کشیده شده‌اند، کلمات پُرسامد در روزنامه‌های فیگارو و لوموند، هستند تا یادآور شویم که چگونه اشعار می‌توانند به کلمات گفتمان جامعه تئیده شوند. کلمات پُرننگ، معنایی از حرکت در خود نهفته دارند. شیشه شکسته^۲ راه را برای حرکت بیشتر باز می‌گذارد و حتی ماده نیز در این شعر جان دارد^۳ و به نوعی در حرکت و تکاپوست. در اینجا نیز می‌بینیم چگونه جنبش به عنوان پاتوس حاصل از هژمونی عصیان در شعر و در جامعه رخ می‌نماید. علاوه بر این، کلماتی چون گوشت^۴، چوب، زغال یا سوخت^۵ به چشم می‌خورند که از مایحتاج اولیه و کمیاب سال‌های ابتدایی پس از جنگ بودند.

تازه خرابه‌های کاملاً جدید/ ادای احترام جنگی/ بازی‌های بازسازی/ سودها و زیان‌ها [فقدان‌ها]/ چوب‌ها و ذغال‌ها/ در آخرین قسمت خانه کارگری/ یک املت رهاشده/ مانند دستمالی کهنه آویزان می‌شد/ بر شیشه‌ای شکسته/ و در خرده‌های یک کهنه تخت سوخته مخلوط با/ خاک اره خاکستری بطن بوفه ناپدید شده/ گوشت انسانی با گوشتی عجیب بود که کباب می‌شد برای/ خوردن/ در پشت صحنه‌های پیشرفت/ مردان صادق کامل دنبال می‌کردند/ انهدام تدریجی ماده زنده را/ با پریشانی^۶ (Prévert, 1955, pp. 13-14).

به همین شکل، در ابیات شاعر فارسی سخن نیز جبهه‌گیری علیه آشوب خودنمایی می‌کند. شاملو هم اگر چه خواهان عصیان در برابر ظلم است، اما به شدت مخالفت خود را در برابر جنگ نشان می‌دهد. او نیز به مانند همتای فرانسوی خود جنگ و صلح را بارها در تقابل هم قرار می‌دهد. برای مثال، شعری از او با ابیاتی چون «سنگ برای سنگر، آهن برای شمشیر، جوهر برای عشق» (شاملو، ۱۳۹۶، ص. ۶۳۳) آغاز می‌شود و با مفاهیم متفاوتی خاتمه می‌یابد، مانند «سنگر برای تسلیم/ آهن برای آشتی/ جوهر برای مرگ» (همان، ص. ۶۳۵). به همین گونه، در شعر «در میدان»، شاعر آرزومند دنیای سرشار از صلح، کودکان شاد و چالاکی را در برابر دنیایی غرق در جنگ به

1. « J'ai mis mon képi dans la cage, et je suis sorti avec l'oiseau sur la tête »

2. « Verrière brisée »

3. « Matière vivante »

4. « La viande »

5. « bois et charbons »

6. « [...]Nouvelles ruines toutes neuves /hommage de guerre /jeux de reconstruction /profits et pertes /bois et charbons /sur le dernier carré d'une maison ouvrière /une omelette abandonnée /pendait comme un vieux linge /sur une verrière brisée /et dans les miettes d'un vieux lit calciné mêlées à la / sciure grise d'un buffet volatilisé /la viande humaine faisait corps-grillé avec la viande à / manger /Dans les coulisses du progrès /des hommes intègres poursuivaient intégralement la / désintégration progressive de la matière vivante /désemparée » (La pluie et le beau temps).

تصویر می‌کشد (پاتوس حاکم بر جامعه ایران در آن دوران): «آن جا که سپاهیان/ مشق قتال می‌کنند/ گستره چمنی می‌تواند باشد،/ و کودکان/ رنگین کمانی/ رقصنده و/ پر فریاد» (همان، ص. ۷۱۸) و به این ترتیب مشق تضاد میان جنگ و آرامش، سربازان و کودکان، مرگ و سرزندگی و غیره را تمرین می‌کند.

به علاوه، نگاه شاملو به فقر هم حائز اهمیت است. او در شعری با همین عنوان از تنگدستی و رنج صحبت می‌کند، اما همانگونه که مطبوعات وابسته به حکومت مرکزی آن را کتمان می‌کنند، پس از بیان روشن این واقعیت تلخ، با تمسخر نهیش می‌کند. شعر او انتقاد گزنده‌ای است از بی‌انگاری حکومت مرکزی در برابر فقر مردم: «از رنجی خسته‌ام که از آن من نیست/ بر خاکی نشسته‌ام که از آن من نیست/ با نامی زیسته‌ام که از آن من نیست/ از دردی گریسته‌ام که از آن من نیست/ از لذتی جان گرفته‌ام که از آن من نیست/ به مرگی جان می‌سپارم که از آن من نیست» (همان، ص. ۳۴۷).

۳-۴. پیشرفت و حرکت

بی‌شک، در اوضاعی که اقتصاد، پول و دارایی حرف اول را می‌زند، تولید و بازسازی کشور بهترین راه حل‌رهایی از مشکلات به نظر می‌رسد. بدین منظور، حکومت مرکزی فرانسه به ریاست شارل دوگل می‌کوشد تا مردم را به حرکت و تلاش ترغیب کند. در صفحه اول فیگارو، سال‌ها این جمله از بومارشه^۱، با قلمی ریزتر، و به شکل زیر عنوان نام روزنامه را همراهی می‌کند: «مردمی که هیچ کاری نمی‌خواهند انجام دهند، هیچ پیشرفتی نمی‌کنند و به هیچ دردی نمی‌خورند». در ایران نیز، از آنجا که پیشرفت سرلوحه اقدامات حکومت بود، تقریباً در تمام شمارگان روزنامه اطلاعات در مورد پیشرفت علمی در اقصی نقاط جهان و ایران، به خصوص در حیطه پزشکی مطلبی یافت می‌شود؛ حتی در بخش آگهی و تبلیغات نیز در مورد پزشکان و پزشکی (داروخانه، دارو و غیره) مطالبی به چشم می‌خورد: «تازه‌های پزشکی: این قلب پلاستیکی چهار روز مرده‌ای را زنده نگه داشت» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۱۲۳۳، ۱۱ آبان ۱۳۴۲، صفحه ۹).

در وادی ادبیات شاعرانه و در باب پیشرفت و حرکت نیز ابیات هر دو شاعر پیرامون همین هسته مضمونی^۲ سروده می‌شوند و به نوعی «نظم و ترتیب و تأیید اجماعی که شرط (میدان) گفتمانیت است»^۳ (Angenot, 1988, p. 89) به خود می‌گیرند و از این رو ارزش بیناگفتمانی و بینامتنیت را می‌یابند. در اشعار ژاک پرهور به واژه پُربسامد «جنبش» برمی‌خوریم. خود کلمه^۴ (Prévert. 1955. p. 52)، تمامی دامنه واژگانی مربوط به آن و هر آنچه که در نهاد و معنای خود جنبش و حرکت داشته باشد، مثل انواع گذرگاه‌ها و حتی وسیله‌های

^۱ Beaumarchais

^۲ La topique

^۳ « L'ordre de vérédiction consensuelle qui est condition de toute discursivité »

^۴ « Mouvement des navires /Mouvement des marées »

جابه‌جایی، «کشتی»، «مسیر»، «راهرو»، «پله»، «ورودی» و دیگر واژگان از این دست^۱ در اشعار او به وفور یافت می‌شود. او شاعری عصیانگر است و گویی کلمات در قالب معنای حرکت برآند تا از حصار بگریزند. اشعار او که رنگی از کودکی دارند، هر آنچه را که در تکاپوست دارای حیات می‌انگارند، حتی «آب جاری، آبی است زنده»^۲ (Prévert, 1963, p. 14). به همین منوال زمان هم در حال جنبش و گذر است^۳، گویی این گونه می‌خواهد تا در مسیر حرکت از حصار زمانی که دوست ندارد نیز بگریزد و عصیان کند: «اما چنان زمان بدی بود/ عقربه را جلو کشیدیم/ برگه‌های مردهٔ تقویم را پاره کردیم»^۴ (Prévert, 1955, p. 8). تکرار کلمهٔ پاندول ساعت که نمادی از حرکت و نشان زمان است هم در چندین شعر پره‌ور به چشم می‌خورد. در واقع، به نظر می‌رسد که هژمونی عصیان و پاتوس جنبش، تعریف زمان را برای پره‌ور تحت الشعاع قرار می‌دهند.

در مورد شاملو نیز وضع به همین منوال است. در اشعار این شاعر ایرانی، در غم‌انگیزترین حالات و حتی در زندان، خبری از سکون نیست. شاعر عصیان می‌کند و راهی برای گریز در ذهن خود می‌یابد؛ گویی همه چیز و همه کس در جنبش هستند: «بید بگذار برقص در باد» (شاملو، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۰) و یا «ضرب آهستهٔ پاهای کسی می‌آید» (همان، ص. ۱۱). شعر شبانه از دفتر شعر آیدا: درخت و خنجر و خاطره، اوج ستایش حرکت و تقبیح ایستایی از نظر شاعر را نشان می‌دهد. شاعر رکود و بی‌حرکتی را همچون «ریشه‌های فولاد» توصیف می‌کند (همان، ص. ۵۴۴) که در «ظلمت شب» اسیر شده است (همان). شاعر تا آنجا پیش می‌رود که حتی مرگ را به سان سفر می‌بیند و آن را زیبا می‌شمارد چون ترک این دنیا است؛ یعنی حرکت و پرواز از «سرزمینی که دوست» ندارد (همان). به عبارتی، شاملو خود را در این وادی مانند «پرنده» ای در «قفس تنگ» احساس می‌کند (همان، ص. ۵۴۶) و در پی هدفی نیست جز آزادی، و در این میان عصیان را رهاوردی برای رسیدن به این آزادی می‌انگارد. شاید بتوان، همانطور که در مورد پیشرفت پزشکی در ایران گفتیم، تکرار بی‌شمار اعضای بدن در اشعار شاملو را به گفتمان اجتماعی مربوط کنیم. البته شاعر بیش از آن که پیشرفت پزشکی را مد نظر داشته باشد، انسان مثله‌شده و اندام شرحه شرحه وی را به تصویر می‌کشد. گفتنی است که تکرار جداگانهٔ اعضای بدن یا بخشی از یک عضو مانند کلمه‌های «مردمک»، «شانه»، «ساق»، «لب»، «چشم»، «استخوان»، «دل»، «پا»، «رحم»، «پیشانی»، «زبان»، «جمعجمه»، «جگر»، تنها به اعضای بدن یک انسان بسنده نمی‌شود، زیرا شاملو استاد جان‌بخشی حتی به اشیاست: «خیابان برهنه/ با سنگفرش دندان‌های صدفش/ دهان گشود» (همان، ص. ۳۹). شاید بسامد بالای

^۱ « navire », « chemin », « quai », « gare », « couloir », « escalier », « entrée »

^۲ « de l'eau courante/ de l'eau vivante »

نمونه‌ها برای این مورد بسیار است. اما در اینجا به بی‌تی که در آن حرکت و زمان در تلاقی هم هستند را به

عنوان مثال ذکر می‌کنیم:

« une fillette chantait/ suivant les saisons, suivant son chemin » (Prévert, 1955, 55)

^۴ « Mais c'était un si mauvais temps /Nous avons avancé la pendule /Nous avons arraché les feuilles mortes du calendrier ».

اعضای بدن و کاربرد صنعت تشخیص ادبی به ظاهر ارتباطی به حرکت نداشته باشد، ولی ارتباط میان آن‌ها را که در ادبیات قرن ۲۰ فرانسه نیز به‌وفور می‌توان یافت با این صحبت نظریه‌پرداز فرانسوی بیش از پیش آشکار شود. از سوی دیگر، میشل کولو^۱ منتقد ادبی بر این باور است که شعر قرن بیست، پس از فوتوریسم^۲ و دادائیسم^۳، گرایش به ارائه بدن و اعضای آن (حتی به شکل مستقل) دارد. او در مقدمه کتابش با عنوان بدن کیهانی^۴ این گرایش را این‌گونه توجیه می‌کند: «با آگاهی از بدنم، من دیگر به فضای سکون و بسته باز نمی‌گردم. نه تنها در تنم من ردی پیدا می‌کنم از تمام مسیرهایی که می‌توانستم در فضای جهان و فکر طی کنم، بلکه در آن فشارها و قلیانی کشف می‌کنم که مرا به مسیرهایی جدیدتر دعوت می‌کنند. بدون این‌که در خود زندانی شوم، این عالم صغیر^۵ (بدن) زنده و جنبنده مرا به عالم کبیر^۶ متصل می‌سازد» (Collot, 2008, p. 9). بنابر این تعریف، در اشعار شاملو انسان از بدن مثله شده رها می‌شود، به حرکت درمی‌آید و به جهان متصل می‌شود. جهان نیز، از سویی دیگر، شمایل انسانی به خود می‌گیرد، از سکون و بی‌تغییری می‌گریزد و با انسان یکی می‌شود تا با تَمَرُد هر کدام ندای رهایی سر دهند.

۴-۴. آزادی و عصیان

دیگر کلمه‌ای که بسیار در روزنامه‌های فرانسوی تکرار می‌شود «آزادی» است. این کلمه اما در دو معنای متفاوت به چشم می‌خورد: یکی به معنای آزادی اقتصادی یا همان کاپیتالیزم لیبرال، که بیشتر عناوین و مقالات به این نوع آزادی اختصاص دارد و دیگری آزادی به معنای اصلی آن، یعنی رهایی از قید و بند. به علاوه، در عناوین خبری و جراید فرانسوی، آزادی چندین بار در کنار واژه و مفهوم صلح به کار می‌رود به اهمیت و انجام آن جهت رسیدن به هشیاری در لوموند مورخ ۱۳ مارس ۱۹۵۳ توصیه می‌شود^۷. البته با توجه به تعریفی که از دلایل تشکیل سازمان ملل داشتیم، صلح و آزادی در کنار هم این‌گونه تعبیر می‌شود: صلح در صورتی امکان‌پذیر است که اقتصاد آزاد وجود داشته باشد.

اما در ایران، همان‌طور که گفته شد، آزادی یکی از اصول سه‌گانه چپ‌گرایان، ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان بود. در روزنامه اطلاعات گاهی از آن سخن رانده می‌شد، اما محور اصلی و کلمه پربسامدی به حساب نمی‌آید به‌ویژه

^۱ Michel Collot

^۲ Le futurisme یا آینده‌نگری یکی از گرایش‌های هنری اوایل قرن ۲۰ غربی و با دغدغه تکنولوژی، جنبش، پویایی و سرعت است.

^۳ Le dadaïsme همان مکتب دادا یا (هیچ و پوچ‌گرایی) نوعی واکنش عصیان‌گرانه به پیامدهای جنگ جهانی اول است که، با عقل‌گریزی، فضا را برای فضای هنری زنده، پویا و فارغ از قیود هنری قبلی آماده می‌کند.

^۴ Le Corps Cosmos

^۵ Microcosme

^۶ Macrocosme

^۷ « "paix et liberté" conseille "la vigilance" »

که برای هر گروه معنای متفاوتی داشت: آزادی از نظر چپ‌گرایان رهایی از امپریالیسم تلقی می‌شد، از دیدگاه ملی‌گرایان بیشتر آزادی بیان و مشارکت مردم در امور به‌شمار می‌رفت، و از نظر اسلام‌گرایان نیز به معنی آزادی مدنی بود (ر.ک. خطیبی‌نژاد، ۱۳۹۶). درنهایت، مطالبه آزادی، تلاش برای رسیدن به عدالت و آینده‌ای مطلوب برای پرورش آیندگان قلمداد می‌شد.

یادآور می‌شویم که آنژنو نه تنها مفاهیمی چون فیتیش‌ها (اشیا باوری) و تابوها (پرهیزه‌ها)^۱ را مطرح می‌کند، بلکه از حذف، سانسور و خود - سانسوری^۲ (Angenot, 1987, p. 9) نیز سخن به میان می‌آورد. از این رو، نویسندگان و شاعران به آرایه‌ها، افسانه‌ها و نمادها بیشتر پناه می‌برند تا مشروعیت^۳ خود را در برابر گفتمان فرادستی جامعه حفظ کنند. بی‌شک کبوتر سفید و پروازش تمثیلی از صلح و رهایی از قیود و قفس است. لذا برای هر دو شاعر فرانسوی و ایرانی، پرندۀ نماد آزادی محسوب می‌شود. در مورد پرور سه‌گانه پرندۀ قفس/کودک از عناصر اصلی شعرهایش به‌شمار می‌آید. همچنین کودک برای او نمادی است از آینده. در شعر «پس زمینه (بوم نقاشی)»^۴، شاعر فرانسوی هم کودک و هم پرندۀ را این‌گونه توصیف می‌کند: ابتدا از قفس می‌سراید که «کودک دیوانه به‌دور قفس می‌چرخد»^۵ (Prévert, 1963, p. 104) اما در چند بیت بعدی با مقایسه‌ای این‌چنینی رو به‌رو می‌شویم: «اطراف تخت - قفس زنگ‌زده و پوسیده»^۶ (ibid)، پرندۀ از فقر بی‌جان است: «پرندۀ فقر/ پرندۀ ای که از گرسنگی می‌میرد/ در قفس آهنی»^۷ (ibid, p. 103)، ولی باید افزود که قبل از پرندۀ پدر نیز مرده است. این سه‌گانه که بارها و بارها در شعرهای مختلف توصیف می‌شود، خلاصه‌ای است از گفتمان اجتماعی جامعه: یعنی نگرانی برای آینده و صلحی که این بار به دلایل اقتصادی (یا همان کاپیتالیسم) در خطر است.

در همین راستا، در «ترانه بزرگ‌ترین آرزو»، همان‌گونه که از عنوانش پیداست، شاعر پارسی‌گو نیز سرود آزادی از «گلوگاه یکی پرندۀ» (شاملو، ۱۳۹۶، ص. ۸۰۰) را به‌عنوان مهم‌ترین تمنای خود مطرح می‌کند. آزادی برای شاملو یعنی حرکت، «پریدن»^۸ و بال‌گشودن. میل به آزادی شاملو را به سمت عصیان سوق می‌دهد. این عصیان همان‌طور که قبلاً گفتیم، بارها مورد مطالعه جامعه‌شناسی بسیاری از محققان قرار گرفته است. بدین ترتیب، دوگانه

^۱ . *Les fétiches et tabous*

^۲ . *Les censures et les auto-censures*

^۳ . *La légitimité*

^۴ . *Toile de Fond*

^۵ . « *l'enfant fou tourne en rond/autour de la cage* »

^۶ . « *autour du lit-cage rouillé et pourri* »

^۷ . « *L'oiseau de la misère /l'oiseau qui mort de faim/dans sa cage de fer* »

^۸ عنوان شعری از شاملو در دفتر شعر شکفتن در مه (۱۳۸۴).

حرکت/عصیان به‌عنوان هژمونی/پاتوس، دو علت و معلول در کنش متقابل و دائم در کنار هم، محور اصلی اشعار شاملو را تشکیل می‌دهند، چنان‌که بیشتر مفاهیم شعری شاملو از خلال همین دو اصل تعریف می‌شوند.

۵. نتیجه

جهان بعد از جنگ جهانی دوم به‌شدت با جهان قبل از آن متفاوت است. چنین آن تغییر یافت و تلاش برای یکپارچگی آن به تعدادی الزامات و نوعی استبداد منجر شد. بی‌شک این تغییر گسترده مخالفانی دارد که نوای عصیان سَر می‌دهند. همان‌طور که در بررسی‌ها نشان دادیم، گفتمان اجتماعی و هژمونیک در هر دو کشور غالب است و شاعران مورد مطالعه ساز عصیان را در شعرشان کوک می‌کنند: در فرانسه این وضعیت به قیام‌های مردمی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ می‌انجامد و در ایران شدت و حدت استبداد، زمینه‌های انقلاب ۱۳۵۷ را بنا می‌گذارد. با این‌که شرایط اجتماعی حاکم ظاهراً در هر دو کشور متفاوت است (مثلاً مباحث اقتصادی در فرانسه داغ‌تر از ایران هستند)، اما گویا گفتمان اجتماعی جهانی در همه‌جا حاکم است. اگر تغییرات در نهاد خود جنبش را دارند، عصیان در برابر تغییر نیز به جنبش منجر می‌شود. به همین دلیل است که در بیشتر آثار آن زمان ردپایی از حرکت و پویایی را پیدا می‌کنیم.

در این تحقیق تلاش کردیم تا نشان دهیم چگونه یک شاعر به‌عنوان خالق نوع و ژانر ادبی فاخر همچون شعر، مباحث مربوط به جامعه را که در روزنامه‌ها منعکس شده‌اند با تخیل و هنر کلمات درهم می‌آمیزد و از آن سخن می‌گوید. در این میان باید گفت که شاعران گاهی حسب ضرورت مانند آنچه در شعر معاصر فرانسوی و ایرانی دیده می‌شود برای ارتباط‌گیری مناسب‌تری با مخاطبان‌شان خود را از قیود شعری رها می‌سازند و برای خواندن از دل مردم و همسویی با مردم به زبان ساده و بی‌پیرایه متوسل می‌شوند. البته که شاعر عضوی از جامعه است و ناگزیر تحت تأثیر گفتمان آن قرار دارد.

از این رو، یادآور می‌شویم که شاعرانی را «هنرمندان عصر خود» می‌نامیم که از باورهای دوران خود سیراب می‌شوند، ولی با قلم جسورانه‌شان به نقض آن‌ها می‌پردازند و به هژمونی فرهنگی و شخصی خود افتخار می‌کنند. در مجموع باید گفت که عصیان پره‌ور و شاملو از موقعیت اجتماعی نابرابر، زیر خفقان و در حصر و جهت نیل به آزادی حاصل می‌شود. در این راستا، بررسی مقابله‌ای جراید و آثار، و همسویی آنان براساس اصل کلیت آژنو مشخص کرد که راه رسیدن به آزادی بی‌شک از مسیر مخالفت و عصیان می‌گذرد، لذا بی‌دلیل نیست اگر تا این اندازه برای این درون‌مایه نزد هر دو شاعر تأکید شده است و مفاهیم آژنو نیز در این میان، ضمن کارایی، تثبیت شد.

منابع

آبراهامیان، ی. (۱۴۰۰). تاریخ ایران مدرن. ترجمه م. ا. فتاحی. تهران: نشر نی.
پارسا، س. ا.، و رحیمی، م. (۱۴۰۰). کارکرد مراقبتی - تبیهی فضای زندان در زندان سروده‌های احمد شاملو: خوانشی گفتمانی و جامعه‌شناختی. زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، ۲۹ (۹۱)، ۳۷-۵۶.

خطیبی نژاد، م.ر.، دلاوری، ا.، و محدثی گیلوانی، ح. (۱۳۹۷). تاریخ‌مندی انقلاب اسلامی، بررسی تأثیر اندیشه‌های کانونی انقلاب اسلامی بر حیات اجتماعی ایران. راهبردی پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲۴، ۳۸-۹.

شاملو، ا. (۱۳۹۶). مجموعه آثار. دفتر یکم: شعرها. تهران: نگاه.

شربت‌ی، ع.، منصوریان، ح. و اکبری، ن. (۱۴۰۰). نقد اجتماعی اشعار شاملو با تأکید بر مقوله طنز. مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد جیرفت)، ۱۵ (۵۷)، ۲۶۳-۲۸۹.

قاسم‌زاده، س.ع.، و بابا حسین‌پور، ن. (۱۳۹۶). کیفیت انسجام متن در اشعار روایی کودکانه احمد شاملو با تکیه بر شعر «پریا» و «دختران ننه دریا». ادبیات فارسی و زبان خارجه. مطالعات داستانی، ۱ (۱۵)، ۷۴-۵۷.

کریمی‌ان، ف.، و ذاکر حسینی، ش. (۱۴۰۰). چشم‌انداز نقد جامعه‌شناختی فرانسه و کاربرد آن بر رمان چشم‌هایش. پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، ۴ (۱) ۱۰۳۹-۱۰۳۸. doi: 10.22067/rltf.2022.75238.1039

نامجویان شیرازی، ف. (۱۳۹۱). تأثیر ترجمه آثار سوررئالیستی برخی شاعران فرانسه (پل الوار، ژاک پرور) بر شعر سپید شاملو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی مهرگان نظامی‌زاده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

Angenot, M. (1988). Pour une théorie du discours social: problématique d'une recherche en cours. *Littérature*, 70, 82-98.

Angenot, M. (1989). *1889, Un statut du discours social*. Montréal: Le Préambule.

Angenot, M. (2018). *Discourse Analysis and social discourse theory, problematics, programs, method*. *Riversa conexao letra*.

Angenot, M. (2006). Théorie du discours social, notion de la topographie discursive et de coupure argumentative. Exposé pour «Discours en contexte, théorie des champs et analyse de discours : recherches européennes», Lausanne.

Auriol, V. (1947). Un message du président de la République. *Le Figaro*, 759, 22 janvier.

Berstein, S., & Milza, P. (1996). *Histoire du XXe siècle, 1945-1973, Le monde entre guerre et paix*. Paris: Hatier.

Collot, M. (2008). *The cosmos body*. Belgium: La lettre volée.

Duchet, C., & Tournier, I. (1994). Sociocritic. In Beatrice Didier (dir), *Universal dictionary of Literature*. Quoted by Popovic, Pierre. From social semiosis to text: Sociocriticism, (1974). 153-172.

Guérin, S. (2014). *La poésie en question : l'expérimentation chez Jacques Prévert, sous la direction de Guillaume Peureux*. Paris Ouest, Nanterre La Défense.

- Karimain, F., & Seyedekhtiari, R. (1400=2022). Etude du discours social dans les poèmes de S. Kasraee selon la méthode d'Angenot. *Plume. Téhéran : Revue semestrielle de l'Association iranienne de Langue et Littérature françaises*, 18. éd. 35, 269-301.
- Lardoux, J. (2011). 'Le paysage changeur de Jacques Prévert'. *Paysage politique. Le regard de l'artiste*. Isabelle Trivisani-Moreau (ed), Rennes : PUR, série « Interférences », 171-181.
- Prévert, J. (1963). *Histoires*. Paris : Folio.
- Prévert, J. (1955). *La pluie et le beau temps*. Paris: Gallimard.
- Prévert, J. (2004). *Paroles*. Paris : Gallimard.
- Royer Jérôme (2014). *Paroles de Jacques Prévert : l'engagement d'un poète Populaire*, sous la direction de Dr. Christopher Bains, Texas Tech University.
- Vigner, G. (2009). Un moment d'échange entre F.L. M et F.L.E dans la France des années 60. Le plan Rouchette et le Manifeste de Charbonnière. société internationale pour l'histoire du français la langue étrangère ou second. URL : <https://journals.openedition.org/dhfles/913>